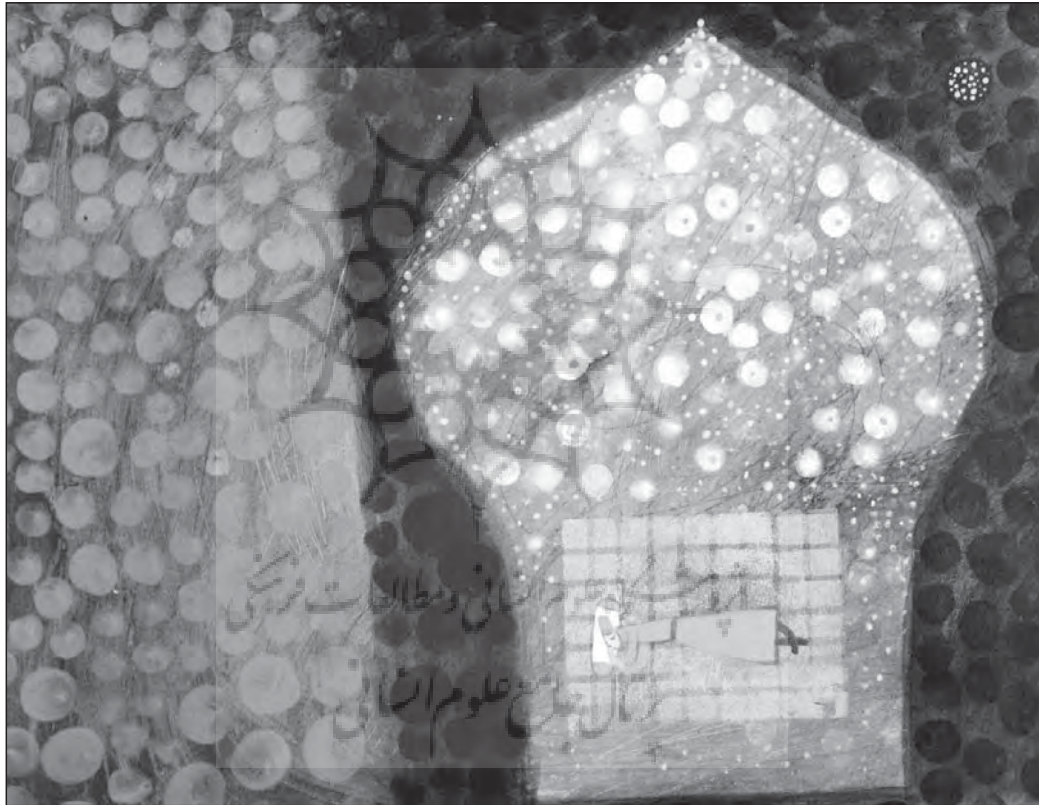




# مقاصد الشريعة

## و جایگاه آن در شریعت با نگاه تطبیقی

جلال محمدی - کارشناس فقه و مبانی حقوق از اهل سنت



### چکیده:

نظریه مقاصد الشریعه یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مصلحت‌گرایانه فقهی است که در فقه سیاسی اهل سنت، با ارائه برداشتی عقلانی از شریعت، موجبات شکل‌گیری شاخه‌ای از فقه به نام فقه المقاصد را فراهم نموده است. مقاله حاضر در صدد بازخوانی تلاش‌های فقیهان از فقهای اهل سنت در ارائه نظریه مقاصد الشریعه است که با بررسی تاریخچه شکل‌گیری این نظریه، تحولات آن در دوران معاصر، پیشینه



نظری مفهوم مصلحت و تحول آن را در فقه سیاسی اهل سنت مطالعه می‌کند. بر این اساس، مطالب مقاله در دو بخش آراء فقیهان گذشته و فقیهان و نوگرایان دینی معاصر، تنظیم شده، شکل‌گیری و تحول نظریه مقاصد الشریعه را در این دوران بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مقاصد، شریعت، فقه، عقل، فقیهان، مصالح.

## مقدمه

مبنا و اساس شریعت اسلام بر مصلحت معاش و معاد بندگان استوار گشته است، تمامی جنبه‌های شریعت اسلام، عین عدل و رحمت و مصلحت و حکمت است. آنچه را که خداوند متعال برای بندگان تشریح نموده، برای خیر و صلاح دنیوی و اخروی آنان است و شر و فساد را از زندگی آنان دفع می‌نماید. بی‌شک تشریح قوانین الهی برای مصالح مخلوقات است. آگاهی از مقاصد شریعت فقیه را برای رسیدن به حکم صحیح یاری می‌دهد. نویسندگان این مقاله با ژرف‌اندیشی در نصوص شریعت و تألیفات دانشمندان اسلامی این مقاله را درباره مقاصد شریعت، به رشته تحریر درآورده‌اند و امید است که برای تنویر اذهان خوانندگان گرامی مفید فایده باشد.

چون دین به‌مثابه برنامه الهی برای ادامه زندگی انسان، به معنای عام، طبیعتاً دستورالعمل‌های خاصی را در بر دارد که آن را از سایر برنامه‌ها و دستورالعمل‌های دیگر جدا می‌سازد. البته این امر نه‌تنها طبیعی است، بلکه لازم و ضروری نیز هست؛ زیرا اگر تمام قواعد، اصول مکاتب، مذاهب و حتی ادیان مختلف، در چند اصل و قاعده عمومی و مشترک خلاصه شود، توجیهی برای تمایز میان آن‌ها نخواهد ماند. از این‌رو آنچه گرایش‌ها و نگرش‌های مختلف دینی و دنیوی از هم جدا می‌کند، برخی اصول و قواعد خاص و مشخص است.

## معنای لغوی و اصطلاحی دین

درباره دین دو نوع تعریف وجود دارد: تعریف متدینان و دیگری تعریف منکران. واژه دین در زبان عربی از سه حرف «د.ی.ن» تشکیل شده است و تمام مشتقات آن به همین اصل برمی‌گردد. معنای کلی آن نیز فرمان‌پذیری و تسلیم است با این حال باید گفت که واژه دین در زبان عربی در معانی مختلفی به کار می‌رود که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. سلطه، سیطره، امر، فرمان، واداشتن به پیروی؛
۲. اطاعت، بندگی، خدمت، در تسخیر کسی بودن، فرمان‌پذیری موجود دیگر؛

۳. قانون، قاعده، روش، مسلک، عادت، رسم؛

۴. جزا و مکافات، داوری و حساب و کتاب.

بنابراین واژه دین که در قرآن کریم به کار رفته و اعتقاد بر این است که ریشه آن در فرهنگ و زبان عرب‌های زمان نزول قرآن است، دارای چهار رکن اساسی یا چهار جزء است:

۱. حاکمیت و قدرت برتر؛

۲. اعتراف به وجود قدرت متعالی و اطاعت از آن.

خداوند فرموده است جز او نیست پس او را درحالی که دین (خود) را برای وی بی‌آلایش گردانیده‌اید بخوانید سپاس (ها همه) ویژه خدا پروردگار جهانیان است. (غافر: ۶۵)

یا خداوند می‌فرماید: ما این کتاب را به حق به‌سوی تو فرود آوردیم، پس خدا را -درحالی که اعتقاد (خود) را برای او خالص کرده‌ای- عبادت کن. (زمر: ۲)

یا می‌فرماید: آگاه باشید آیین پاک از آن خداست. (زمر: ۳)

یا می‌فرماید: بگو من مأمورم که خدا را -درحالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام-

بپرستم. (زمر: ۱۱)

یا می‌فرماید: بگو خدا را می‌پرستم درحالی که دینم را برای او بی‌آلایش می‌گردانم. (زمر:

۱۴)

و در آیه‌های (یونس: ۱۰۵-۱۰۴)، (یوسف: ۴۰)، (روم: ۲۶-۲۸)، (ذاریات: ۶-۵)، (ماعون: ۳-۱) و (انفطار: ۱۹-۱۷) واژه دین به معنای سلطه برتر، اعتقاد به وجود او و پذیرش بندگی او است.

۳. نظام فکری و عملی ناشی از آن قدرت برتر

خداوند می‌فرماید: مردم! اگر در دین من تردید دارید، پس بدانید که من کسانی را که به‌جای خدا می‌پرستید نمی‌پرستم، بلکه خدایی را می‌پرستم که جان شما را می‌ستاند و

دستور یافته‌ام که از مؤمنان باشم (یونس: ۱۰۴) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: به من دستور داده شده است که به دین حنیف روی آور و زنه‌ار از مشرکان مباش. (یونس: ۱۰۵)

و می‌فرماید: فرمان جز برای خدا نیست دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین

درست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (یوسف: ۱۴)

منظور از واژه دین در تمام این آیات، قانون، حدود، شریعت، روش و نظام فکری و عملی

است که انسان به آن مقید می‌شود.

۴. پاداشی که آن قدرت برتر به‌خاطر پیروی از آن به کار می‌برد

خداوند متعال می‌فرماید: و روز پاداش واقعیت دارد. (ذاریات: ۵) همچنین می‌فرماید: آیا

کسی را که روز جزا را دروغ می‌خواند، دیدی؟ (ماعون: ۱) و نیز می‌فرماید: روز جزا در آن درآیند



و از آن عذاب دور نخواهند بود و تو چه دانی که چیست روز جزا؟ باز چه دانی که چیست روز جزا؟ (انفطار: ۱۸-۱۵)

در تمام این آیات واژه دین به معنای محاسبه و داوری و مکافات به کار رفته است. بر این اساس در تعریف دین گفته می‌شود که منظور از دین در اصطلاح قرآنی، برنامه و نظام کامل، شامل و فراگیری است که از یک سو گویای وجود فرمانروا و فریادرس مطلق است که بر اجزا و اعضای پیدا و پنهان هستی احاطه کامل دارد و از سوی دیگر نمایانگر فرمان‌پذیر پناه‌جویی است که وجود، فرمان، قدرت و احاطه آن فرمانروا و فریادرس را پذیرفته است.

آنچه میان این دو طرف موجود در تعریف را پر می‌کند وجود قوانین، اصول، مبانی و برنامه‌هایی است که از طرف فرمانروا و فریادرس مطلق طراحی و عرضه شده است تا موجود فرمان‌پذیر و فرمان‌بر بر اساس آن‌ها عمل کند و ضمن برآورده ساختن نیازهای خود در این دنیا انتظار دریافت ثواب را داشته باشد بدیهی است عدم اجرای این برنامه‌ها علاوه بر پدید آوردن مشکلات متعدد در این دنیا، عقاب و عذاب اخروی را نیز به همراه دارد. (المودودی، ص ۱۱۵-۱۰۰)

## اجزای دین به اعتبار دیگر

اگر این تعریف از دین را محور مباحث خود قرار دهیم، به دو نکته اساسی می‌رسیم و آن این‌که دین در کل به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

اول: عقیده؛

دوم: شریعت.

به‌طور خلاصه منظور از عقیده، پذیرش پاره‌ای حقایق عظیم و سرنوشت‌ساز غیبی و الهی است که پس از حصول معرفت و آگاهی کامل یا کافی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کلی از هم جدا کرد، زیرا لازمه بلافصل هرگونه عقیده صادقانه، تعیین موضع و جهت‌گیری عملی درباره لوازم و مقتضیات آن است. از این رو می‌توان گفت که شریعت، لازمه و اقتضای قطعی و جدایی‌ناپذیر عقیده است. بنابراین به نظر می‌آید نیازی به تعریف و توضیح گسترده و موشکافانه معانی و مفاهیم لغوی و اصطلاحی شریعت نیز نیست. همین اندازه کافی است که معلوم شود منظور از شریعت در این نوشتار بعد عملی و کردارهایی است که در حوزه امور دینی انجام می‌گیرد. شریعت به معنای اصطلاحی عبارت از احکامی است که خداوند بلندمرتبه برای بندگانش تشریح و انبیا آن را ابلاغ کرده‌اند. بنابراین شریعت یک وضع و قرارداد الهی است نه اجتهاد انسانی، علاوه بر این، امری ثابت

است نه متغیر. از همان رو از فقه که عبارت از اجتهاد انسانی در چارچوب شریعت الهی است جدا می‌شود زیرا چنانچه گفته شد شریعت امری ثابت است، درحالی که فقه امری تحول‌پذیر است، چون مربوط به فروع است و ناگزیر باید با مقتضیات زمان، مکان، وقایع، مصالح و افهام هم‌نوایی داشته باشد.

### معنای لغوی مقاصد الشریعه (هدف‌های شریعت)

مقاصد شارع، مقاصد شریعت و مقاصد شرعی هر سه به یک معنا است. واژه مقاصد به سه حرف «قی.ص.د» برمی‌گردد. جمع مقصد مقاصد است قَصَدَ (باب تفعیل) معنای میانه‌روی و گاهی مقصد معنای راه رفتن و آسان دارد. واژه شریعت در اصل به معنای «راه ورود آب» است؛ اما در متون دینی همگی با واژه‌های «شرع» و «شرعه» به معنای دین یا قریب آن به کار رفته است. (ابن منظور، ج ۸، ص ۱۷۵)

دکتر وهبه زحیلی در توضیح مقاصد شریعت این‌گونه می‌گوید «مقاصد شریعت، همان معانی و اهدافی است که توسط شرع در تمامی احکام یا قسمت عمده احکام لحاظ شده است. (زحیلی، ص ۱۰۱۷)

### مقاصد نزد امامیه

مسئله مقاصد نزد عالمان شیعی از اواخر قرن سوم رونق می‌گیرد و با عنوان «کتاب العلل» تحریر می‌شود. از این کتاب‌ها جز نامی در فهرست‌ها اثر دیگری در دست نیست. نخستین اثر بر جای مانده کتاب «علل الشرایع و الاحکام» نوشته ابو جعفر محمد بن علی بن حسین است که در قرن چهارم به رشته تحریر درآمده است. باید توجه داشت که «علل الاحکام» با «مقاصد الشریعه» همسو است بنابراین می‌توان بحث از علل احکام را به‌نوعی از بحث مقاصد دانست. در کتاب استاد فاضل دکتر سعدی آمده: «مسلمانان موظفند با کسانی باشند که از نظر ایمان، تقوا، علم، عمل، استقامت و جهاد در بالاترین مرحله باشند». (سعدی، ص ۵۴)

دین اسلام آخرین دین الهی و آسمانی است که به دلیل جامعیت محتوای آن در تأمین سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان‌ها دین جهانی و خاتم و تنها دین معتبر و مشروع نزد خداوند شناخته شده است. (همان)

در کتاب «مقاصد الشریعه» آمده:

۱. برای حضور مسلمانان در هر کشور باید برنامه‌ریزی کرد به اعتبار این که حضورشان پاینده و بالنده است؛



۲. اقلیت‌های مسلمان نباید خود را به اصطلاحاتی مقید کنند که در قرآن نیامده است مانند دارالاسلام و دارالکفر؛
۳. بر هر مسلمانی واجب است که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی (کشورهای محل سکونت خود) به شکل مثبت شرکت جویند؛
۴. هر منصب و سیاستی (که برای مسلمانان حاصل شود) یک دستاورد به شمار می‌رود؛
۵. همبستگی و مشاوره و اتفاق اقلیت‌های مسلمان در یک کلیات برای گرفتن حقوق بایسته است و افراد باید در جزئیات یکدیگر را معذور دارند؛
۶. اقلیت‌های مسلمان نیازمند تثبیت ایمان و تقویت اعتماد به اسلام‌اند تا همگرایی با دیگران باعث نشود که از دین خود دست بکشند؛
۷. اقلیت‌های مسلمان نیازمند بیان شیوا و رسای حقایق اسلام و نظام ارزشی-انسانی والای آن هستند.

### معنای مقاصد الشریعه و چارچوب‌های آن

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که هدف از فرستادن پیامبران را نشان می‌دهد، خداوند می‌فرماید: ما تو را جز به‌عنوان رحمت جهانیان نفرستادیم. (انبیاء: ۱۰۷)

در برخی از آیات نیز هدف از نازل کردن کتاب‌های آسمانی (به‌ویژه قرآن) را بیان کرده است. چنانچه خداوند می‌فرماید: الف لام راء، این قرآن کتابی است که آن را برای تو فرستاده‌ایم تا این که مردمان را در پرتو تعالیم آن با توفیق و تفضل پروردگارشان، از تاریکی‌ها و گمراهی‌های کفر و نادانی به‌سوی نور و روشنایی ایمان و دانایی بیرون بیاوری یعنی به راه خدای چیره ستوده درآوری. (ابراهیم: ۱)

پیامبر (ص) نیز بارها به صورت‌های مختلف هدف اصلی از بعثت خود را بیان کرده است که در مشهورترین حدیث می‌فرماید:

**«أَمَا بَعَثْتُ لَاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ  
هَمَانَا فَرَسْتَادَهُ شَدَمَ تَا اخْلَاقِ نِيكَ رَا كَامِلَ كَنَمَ».**

به روایت احمد بن حنبل، بخاری و حاکم، این حدیث با همین لفظ و الفاظ مشابه، در متون حدیث از علمای شیعه هم نقل شده است. در مورد اهل بیت پیامبر (ص) و صحابه وی نیز سخنان و دیدگاه‌هایی مطرح شده است که نشانه هدفمندی عملکرد و رویکرد آنان به مسائل است، به‌عنوان نمونه وقتی ربیع بن عامر، فرستاده سعد بن ابی وقاص در جنگ قادسیه نزد رستم فرمانده ایرانی آمد، در جواب این سؤال رستم که پرسید: چه چیز شما را به

اینجا آورده است؟ گفت: خداوند ما را برانگیخت تا هر کس را که بخواهد از بندگی بندگان به بندگی خدا، از تنگی دنیا به فراخی آن، از جور و ستم ادیان به دادگری اسلام رهنمون شویم پس خداوند ما را با دین خویش نزد بندگان فرستاده است و ما هم آنان را به سوی آن دعوت می‌کنیم. (ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۲۰ و ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۹)

در این چند نمونه که ذکر شد، هدفمندی شریعت علاوه بر آیات، در عملکرد صحابه به‌عنوان اولین تربیت‌یافتگان اسلامی نیز به‌صورت واضح دیده می‌شود. به همین خاطر، مسئله هدفمندی شریعت در لسان و بیان و آثار علمای مشهور اسلامی هم به شکل‌های گوناگون مطرح شده است.

از میان مشهورترین علمایی که در تاریخ شریعت اسلامی به‌صورت شاخص، این موضوع را بررسی کرده‌اند، به ترمذی حکیم (ابو عبدالله محمد بن علی)، ابو منصور ماتریدی (وفات ۳۳۳ هـ.ق)، باقلانی (وفات ۴۰۳ هـ.ق)، امام الحرمین (وفات ۴۷۸ هـ.ق)، ابو حامد غزالی (وفات ۵۰۵ هـ.ق)، فخرالدین رازی (وفات ۶۰۶ هـ.ق) ابن حاجب (وفات ۶۴۶ هـ.ق) بیضاوی (وفات ۶۸۵ هـ.ق در تبریز) می‌توان اشاره کرد.

روش دسته‌بندی این مقاصد نزد غزالی به این صورت است: دین، نفس، عقل، نسل و مال. (المستصفی، ج ۱ ص ۲۵۸). بعد از وی امام فخر رازی این مقاصد را به دو صورت دسته‌بندی کرد: یک‌بار به این صورت: نفس، مال، نسب، دین، عقل؛ و یک‌بار به این صورت: نفوس، عقول، ادیان، اموال و انساب. (رازی، ج ۲، ص ۶۱۲-۲۲۰)

برخی مقاصد کلی را بر شریعت در نظر گرفته‌اند، نظیر: هدایت، تعلیم، صلاح، روشنگری، حق، رحمت، عدل، مساوات، قدرت نظام امت اسلامی، تعقل، تحرر، تخلق، یکپارچگی و تکامل‌مندی. (یحیی محمد، ج ۸، ص ۱۵۵-۱۵۱)

بنابراین باید در مورد جایگاه دقیق و عینی این مقاصد نکاتی را یادآوری کرد:

۱. مقاصد شرعی، کلیات مطلق قطعی‌ای هستند که مصادر و منابع آن‌ها از لحاظ کلیت، اطلاق، قطعیت، کونیت و بنیان‌گذاری احکام، قرآن مجید است.
۲. در چارچوب این که سنت، تبیین‌کننده قرآن مجید است و نیز در چارچوب پیوند محکم میان آن دو، ارتباط میان شنونده و بیان‌کننده به روشنی به چشم می‌خورد.
۳. مقاصد الشریعه زمانی از زمره مقاصد کلی به حساب می‌آید که همه رسالات انبیا را در بر بگیرد؛ زیرا بیانگر وحدت دین، وحدت عقیده و وحدت مقاصد و غایات در همه رسالات است؛ هر چند برخی جوانب شرعی متعدد و متنوع باشند.
۴. یکی از شئون مقاصد الشریعه، توانایی آن در ضبط احکام جزئی و تولید آن‌ها - در هنگام نیاز- در انواع فعالیت‌های انسانی اعم از قلبی (عرفانی)، عقلی، وجدانی و

- بدنی است تا به این صورت ربط جزئیات به کلیات تحقق یابد و کلیت «وجود انسان» از هدایت الهی بهره‌مند شود.
۵. مقاصد عالی شریعت، از حیث تعلق به جنبه تشریحی، مانند مبانی و مواد قانونی است و می‌تواند مواد و قواعد قانونی تولید کند.
  ۶. مقاصد الشریعه هرگز صرف یک یا یکی از اصول فقهی اختلاف‌پذیر نیست، بلکه مبانی اساسی بازسازی قواعد اصول فقه و تجدید آن است.
  ۷. فعال‌سازی «سیستم مقاصد الشریعه» به قابلیت تجدد ذاتی در اصل و فقه ما می‌انجامد و آن‌ها را از عوامل سستی و شرایط‌پذیری که گریبان‌گیر شرایع می‌شود، می‌رهاند.
  ۸. تکیه بر سیستم مقاصد الشریعه، به رستاخیز، احیا و آزادسازی توانمندی جدید و اجتهاد می‌انجامد.
- ولی با این حال متأسفانه فقه مقاصد و فقه اولویات، مسیر خود را در فضای فقهی و اندیشه اسلامی نیافت، هر چند نزد دسته‌ای از مجتهدان سرشناس به صورت نظری و منعزل مطرح شد. بر این اساس می‌توان پیامدهای نامطلوب این امر را به این صورت بیان کرد:
۱. سیطره دیدگاه فقهی جزئی‌نگر؛
  ۲. سیطره دیدگاه کلامی خالص؛
  ۳. سیطره رویکرد قرائت وحی به صورت منفرد؛
  ۴. تکیه و تأکید بیش از حد بر ابزارهای لفظی یا سیاق زمانی؛
  ۵. اندیشه‌ورزی مطلق‌گرا که نسبت زمان و مکان را در نظر نمی‌گیرد.

### تأثیر منفی نادیده گرفتن مقاصد و اولویات

- می‌توان به صورت اجمال، آثار منفی نادیده گرفتن مقاصد و اولویات بر عقل و اندیشه مسلمانان را از لحاظ فقهی و فکری در موارد زیر بیان کرد:
۱. ماندن اندیشه اسلامی در زندان حوزه فقهی قانون‌گذار و قانون‌گرا که هر چند گسترده و عام شود، باز هم غیر فراخ و خاص خواهد ماند.
  ۲. نهادینه کردن مفهوم «تعبد» به معنای «زهد منشی» محض و دور ساختن مبادی وحی از حوزه‌های گسترده زندگی.
  ۳. عدم ثبات دیدگاه مسلمانان در نگاه به اراده خویش، ارزش کارها و افعال خود و مرجع ارزش‌گذاری یادآوری درباره این امور.
  ۴. گشودن باب تن‌آسایی و تنبلی به روی عقل و اندیشه مسلمانان، از رهگذر تأکید بر



- رویکرد تبعدی احکام شرعی و بی‌فایده بودن بحث درباره حکم، علل و اسرار نهانی و نهفته و رأی آن‌ها.
۵. نهادینه ساختن دیدگاه جزئی که نه قاعده‌ای را استنباط می‌کند و نه قانونی را سامان می‌دهد، در نتیجه شریعت جاودان اسلامی را منجمد می‌سازد و آن را در حاشیه زندگی نگه می‌دارد.
۶. مبالغه در ضبط الفاظ و رسوم نه احکام و مضامین تا جایی که اندیشه مسلمانان در دوره‌های اخیر تمدن اسلامی، اسیر الفاظ و مصطلحات ماند.
۷. جلوه دادن شریعت اسلامی به‌عنوان «قانون مرده» ای که از کاروان گذرای تاریخ عقب مانده است.
۸. غرق شدن در جزئیات و تفصیل و غافل ماندن از کلیات و اصول تا جایی که اندیشه اسلامی از طرف دشمنانش به ذره‌نگری و عدم توانایی در تعمیم متهم است.
۹. دستاویز قرار دادن تقلید و پیروی و محسوب کردن آن‌ها به‌عنوان مرجع امن و مطمئن.
۱۰. خودداری از بهره‌گیری از علل و اسباب و اتکا و پشت بستن به امور فرضی و موهوم و نادیده گرفتن این امر که ارتباط میان اسباب و مسببات که یکی از سنت‌های الهی است.
۱۱. شخصی‌سازی اندیشه و اصل و در پیش گرفتن راهکار «شناخت حق از طریق افراد» به‌جای عکس آن.
۱۲. عدم ثبات منطق، انحراف در روش‌های بحث و تحقیق، تجاهر در زمینه روش‌های گفت و گو، استدلال و استنباط.
۱۳. خلط میان امور ثابت و متغیر شرعی که منجر به خلط مسائل مقبول و مردود، سنت و بدعت، فردی و اجتماعی و حتی حلال و حرام شده است.
۱۴. تمایل به شفاهی‌گرایی و سطحی‌زدگی و دور شدن از طرحی‌فراگیر، نهادینه‌سازی دقیق و پژوهش عمیق.
۱۵. گرایش به تبرئه و پاک دانستن دست و دامن خویش و متهم ساختن دیگران به این‌که عامل همه بلایا و خطایا هستند.
۱۶. مشغول شدن به شعارها، شتاب‌زدگی، گذار از مضامین، ثمربرداری سریع و تردید در میان نومی‌دگی کشنده و طمع مبالغه‌آمیز.
۱۷. جدانشدگی علم و عمل و نظریه و کاربرد و چالش‌های مترتب بر این امور، نظر کشمکش میان «علمای اسلام» و «عاملین برای اسلام» به صورتی که تلاش

همگان را نقش بر آب می‌کند.

با این که موارد نامبرده گزیده‌ای از آثار منفی این عدم اهتمام است، هر یک از آن‌ها نیز به‌تنهایی می‌تواند مدت‌ها از کنشگری و فعالیت مفید و سازنده شریعت جلوگیری کند؛ چه رسد به مجموع آن‌ها.

علامه سیدرشیدرضا در کتاب مشهور خود «وحی محمدی» از مقاصد قرآن با نهجی غیر از روش اصولی‌ها - که مصالح را فقط در مراتب سه‌گانه مشهور محقق می‌دانند، یعنی ضروریات و حاجیات و تحسینیات - سخن می‌گوید بلکه او بر اساس کارکرد اسلام در موضوعات مختلف و بر اساس مقاصد کبری که قرآن فرا روی امت می‌نهد، موضوع مقاصد را کاملاً تفصیل می‌دهد و در زمینه اصلاح بشر آن را به ده مورد تقسیم می‌کند:

۱. اصلاح ارکان سه‌گانه اسلام؛
  ۲. رفع جهالت بشر در مورد نبوت و رسالت و وظایف رسولان، با استناد به آیه: بی‌گمان کسانی از مسلمانان و یهودیان و صائبان و مسیحیان خوف و هراسی از عذاب دوزخ در جهان جاویدان و غم و اندوهی بر عمر سپری شده در جهان گذران ندارند. (مائده: ۶۹)
  ۳. بیان این که اسلام دین فطرت و عقل و علم و حکمت و برهان و آزادی و استقلال است؛
  ۴. ایجاد اصلاح اجتماعی، انسانی و سیاسی از طریق محقق ساختن اصول هشتگانه؛
  ۵. تثبیت ویژگی‌های عمومی اسلام در زمینه تکالیف شخصی، از جمله عبادات و بایدها و نبایدها؛
  ۶. بیان اصول روابط بین‌المللی در اسلام؛
  ۷. رهنمود بشر به سمت اصلاح مالی و اقتصادی؛
  ۸. اصلاح نظام جنگ و دفع مفاسد آن و منحصر کردن آن در موارد خیر آفرین برای بشر؛
  ۹. بهره‌مند ساختن زنان از همه حقوق انسانی، دینی و مدنی خویش؛
  ۱۰. رها نمودن بشر از یوغ بردگی.
- دکتر یوسف قرضاوی در کتاب «کیف نتعامل مع القرآن الکریم» فصل مقاصد القرآن هفت مقصد برای شریعت ذکر کرده است:
۱. تصحیح عقاید و نوع نگرش انسان به مباحث الوهیت، رسالت و نظام جزا و پاداش؛
  ۲. تثبیت کرامت و حقوق انسان، مخصوصاً ضعفا؛
  ۳. فراخواندن مردم به عبادات و تقوای خدا؛

۴. تزکیه نفوس بشری و تحکیم پایه‌های اخلاق؛
  ۵. تشکیل خانواده صالح و ترویج رفتار عادلانه با زن؛
  ۶. بنا نهادن امتی که در قبال بشریت مسئولیت‌پذیر بوده و بر آن‌ها گواهی دهد؛
  ۷. فراخواندن بشر به ایجاد جامعه‌ای انسانی با همکاری‌های متقابل.
- دکتر یوسف قرضاوی در کتاب «مدخل لمعرفة الاسلام» نیز چندین امر بنیادین را ذکر کرده است:

۱. عناصر بنیادین تشکیل دهنده اسلام؛
۲. ویژگی‌های بنیادین اسلام؛
۳. مقاصد بنیادین اسلام؛
۴. منابع اصلی اسلام.

و در بخش مقاصد بنیادین اسلام این مقاصد را ذکر کرده است:

۱. تکوین شخصیت انسان صالح؛
  ۲. تکوین خانواده صالح؛
  ۳. تکوین جامعه صالح؛
  ۴. تکوین امت صالح؛
  ۵. فراخواندن به سوی (داشتن روحیه) خیرخواهی برای انسانیت.
- در نتیجه تشریح عقوبات تأثیر مهمی در تعیین کلیات خمس و یا مقاصد ضروری دارد به‌عنوان مثال:

- از تشریح حد ارتداد، اهمیت و ضرورت حفظ دین فهمیده می‌شود.
- از تشریح حد قصاص، اهمیت و ضرورت حفظ نفس فهمیده می‌شود.
- از تشریح حد زنا، اهمیت و ضرورت حفظ نسل فهمیده می‌شود.
- از تشریح حد سرقت، اهمیت و ضرورت حفظ مال فهمیده می‌شود.
- از تشریح حد مستی، اهمیت و ضرورت حفظ عقل فهمیده می‌شود.

دکتر یوسف قرضاوی در مقدمه کتاب «مقاصد الشریعه» می‌گوید: «من معتقدم که حفظ عقل در اسلام با اسالیب و روش‌های بسیاری محقق می‌شود، از جمله: فرضیت دانش بر هر مرد و زن مسلمان، تشریح سفر برای جستجوی دانش، تلاش مستمر در این راستا از گهواره تا گور، فرض شدن پژوهش بر علومی که امت برای دین یا دنیا به آن‌ها نیازمند است به‌صورت فرض کفایی، کاشت نهال عقلانیت علمی که جستجوی یقین و باور راسخ را فرا روی مسیر خود قرار داده و تقلید از ظن و هوی را مردود می‌داند و از تقلید اجداد و سران قوم و بزرگان قوم یا توده مردم می‌گریزد که این کار شأن انسان‌های دون‌پایه و بی‌اراده



است و نیز دعوت به تفکر در ملکوت آسمان‌ها و زمین و همه مخلوقات خدا. (قرضاوی، ص ۳۱)

## مقاصد شریعت اسلامی

شناخت مقاصد عمومی شریعت، امری ضروری برای فهم صحیح نصوص شرعی و استنباط احکام از ادله منصوص شرعی به صورت مقبول است پس کافی نیست که مجتهد تنها راه‌های دلالت الفاظ بر معانی را بداند بلکه بر او لازم است که اسرار تشریح و اهداف عمومی مورد نظر شارع از احکام مختلف را بشناسد تا بتواند نصوص را بفهمد و به صورتی درست و سالم آن‌ها را تفسیر کند و احکام را در پرتو این مقاصد عمومی استنباط نماید.

با استقراء و تفتیش احکام مختلف در شریعت اسلامی هم ثابت شده که هدف اصلی از تشریح احکام محقق ساختن مصالح بندگان و حفظ این مصالح و دفع ضرر از آن است ولی این مصلحت‌ها آن چیزی نیست که انسان بر حسب تمایل خویش آن‌ها را درک کند بلکه مصلحت تنها چیزی است که در معیار شرعی مصلحت باشد، چون که انسان، گاهی بر اساس تمایلات نفس خود و تحت تأثیر گرایش‌ها و امیال نفسانی خویش و در طلب نفع اندک و زودگذر و بدون توجه به ضرر اخروی بزرگ نافع را مضر و مضر را نافع می‌بیند.

مقصد شریعت، چنانچه گفتیم تحقیق دادن مصالح بندگان در مرحله نخست و سپس نگهداری از آن است در وهله دوم این مصالح بر حسب استقراء، ۳ نوع هستند: ضروریات، حاجیات و تحسینیات و هر یک از این مصالح هم مکمل‌هایی دارد که از نظر اهمیت یکی نیستند. شرح و بیان این امور چنین است:

## ضروریات

منظور از آن مصالحی است که زندگی انسان و برپایی جامعه و استقرار آن منوط بر آن‌ها است که اگر این مصالح از بین برود، نظام زندگی مختل و هرج و مرج بر مردم حکم فرما می‌شود و آشوب و بی‌نظمی امورشان را فرامی‌گیرد و بدبختی دنیا و عذاب آخرت دامن‌گیر آنان می‌شود. این ضروریات عبارت‌اند از: دین، نفس، عقل، نسل و مال.

همه ادیان و شرایع این مصالح را رعایت کرده‌اند، گرچه راه آن‌ها در مراعات و حفظ این ضروریات با هم متفاوت بوده است و شریعت اسلامی، که آخرین شریعت است آن‌ها را به کامل‌ترین صورت مراعات نموده و در ابتدا برای ایجاد آن‌ها و سپس، جهت محافظت از آن‌ها احکامی را تشریح کرده است، چنانچه برای ایجاد دین، ایمان به ارکان دین یعنی دو کلمه شهادت و لوازم آن‌ها و عقاید دیگر چون ایمان به رستاخیز و محاسبه‌ای اخروی و اصول عبادات مانند نماز، روزه، حج و زکات را تشریح کرده است. با این امور دین ایجاد و

امور و احوال مردم قوام می‌یابد و جامعه بر اساس بنیانی استوار بر پا می‌گردد. همان‌طور هم برای محافظت از دین امور را تشریح کرده است.

## دعوت مردم به دین

برای محافظت از دین، دعوت به دین مشروع شده است و تجاوز به دین رد شده است. جهاد علیه کسانی که دین و معالم را باطل و محو می‌کنند واجب است. مجازات کسانی که از آن برمی‌گردند، بازداشتن افرادی که قصد این را دارند که مردم را در مورد عقیده خود دچار شک و تردید سازند، بازداشتن افراد از فتوای باطل دادن یا فتوا به تحریف احکام و مواردی از این قبیل برای ایجاد نفس، شریعت ازدواج را برای حفظ نفس، وجوب خوردن غذا و نوشیدنی و آنچه را قوام بدن بدان است و نیز مجازات متجاوزگان بر نفس و هم‌چنین تحریم در معرض هلاک قرار دادن جان را تشریح کرده است.

در مورد عقل، خداوند عقل را به انسان‌ها بخشیده است و انسان‌ها در اصل این نعمت، با هم برابر هستند ولی برای حفظ عقل، مصرف چیزهایی چون مواد مست‌کننده را که سبب فساد عقل می‌شوند تحریم کرده و برای افرادی که مواد مست‌کننده یا سست‌کننده (مواد مخدر) را مصرف می‌کنند مجازات تشریح کرده است.

برای ایجاد نسل، ازدواج شرعی تشریح شده و برای حفظ و عدم اختلاط آن، این امور تشریح شده است: تحریم زنا و مجازات برای افرادی که مرتکب زنا می‌شوند، تحریم قذف و بهتان و تشریح مجازات برای کسی که به دیگران تهمت می‌زند، تحریم سقط‌جنین و پیشگیری از بارداری مگر به‌خاطر ضرورت.

برای ایجاد مال، شریعت معاملات مختلف را مباح و تلاش برای کسب آن را واجب کرده است و برای محافظت از آن این موارد تشریح شده است: تحریم دزدی، حد سارق، تحریم اتلاف مال دیگران و ضامن بودن افراد در مقابل آنچه که تلف می‌کنند، محجور کردن سفیه و مجنون و افرادی چون آنان.

## حاجیات

اموری هستند که مردم، برای رفع حرج و مشقت از خود، به آن‌ها نیاز دارند و اگر چنانچه فوت شوند، نظام زندگی مختل نمی‌شود لکن مردم دچار سختی و مشقت و تنگنا می‌شوند. حاجیات، همه، به رفع حرج از مردم برمی‌گردند و در شریعت اسلام، احکام مختلفی برای تحقق این هدف وارد شده است مثلاً، در عبادات، جهت دفع حرج، رخصت‌ها تشریح شده‌اند و شارع برای مسافر و مریض مباح کرده که افطار کنند و به مریض اجازه داده که نشسته



نماز بخواند و برای مسافر مباح کرده که نماز را به صورت شکسته و کوتاه بخواند و به مسلمانان اجازه داده و مباح کرده که در صورت عدم وجود آب، تیمم کنند و نیز، اگر فردی در کشتی یا هواپیما یا قطار بود و به جهت قبله نماز می‌خواند اما این جهت وی بر اثر حرکت هواپیما یا کشتی یا قطار تغییر کرد، شریعت اسلام برای وی مباح ساخته که به جهتی غیر از قبله نماز بخواند.

در معاملات هم، به استثنای قواعد عمومی، انواعی از معاملات تشریح شده‌اند و شارع، سلم، استصناع، اجاره‌ها و مزارعه را تشریح کرده و طلاق را برای رها شدن از دست ازدواجی که صلاحیت بقا و استمرار ندارد تشریح نموده است. در مجازات‌ها نیز، قاعده‌ای (اسقاط حدود با شبهات) تشریح شده و برای تخفیف به قاتل خطا، در این نوع قتل، دیه بر عهده عاقله (نزدیکان قاتل) گذاشته شده است. علاوه بر نصوص جزئی وارده در شریعت، نصوص عمومی شریعت نیز بر حاجیات از جانب شریعت دلالت دارند، از جمله این آیات که می‌فرمایند:

«ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج

خداوند هیچ نمی‌خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت بیندازد». (مائده: ۶)

«و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

و او در دین هیچ کار دشوار و سنگینی بر دوش شما نگذاشته است». (حج: ۷۸)

«یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر

خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست». (بقره: ۱۸۵)

## تحسینات

آن مواردی است که کاری می‌کند که احوال انسان بر مقتضای آداب عالی و اخلاق درست و استوار جریان یابد و اگر فوت شوند، نظام زندگی مختل نمی‌شود و مردم دچار مشقت و سختی نمی‌گردند، لکن زندگی آنان در راهی خلاف مقتضای مروت (مجموعه صفات شایسته) و مکارم اخلاق و فطرت سلیم می‌افتد. شریعت این نوع مصالح را در همه انواع عبادات و معاملات و عرف و عادات و مجازات‌ها رعایت کرده است، چنانچه در عبادات ستر عورت، پوشیدن لباس نیکو در هنگام ورود به مساجد و تقرب با اعمال مستحبی چون صدقه دادن و نماز و روزه مستحبی و در معاملات، امتناع از خرید و فروش نجاسات، امتناع از اسراف و منع از بیع بر بیع دیگران و مستحب دانستن عمل بر اساس آداب خوردن و نوشیدن: مانند خوردن با دست راست، خوردن از جلوی دست و دست دراز نکردن به هر طرف، ترک خوردنی‌های پلید و رعایت اخلاق فاضله و در مجازات‌ها، تحریم مثله کردن مقتول - چه در قصاص و چه در جنگ - و تحریم کشتن زنان و بچه‌ها و راهبان در جنگ را تشریح کرده است.

## مکملات مصالح

هر کدام از ضروریات و حاجیات و تحسینیات مکملاتی دارند که به تحقق یافتن و حفظ آن‌ها به کامل‌ترین صورت منجر می‌شود، کما این‌که در ضروریات، اذان و نماز جماعت به‌عنوان مکمل فریضه نماز تشریح شده‌اند.

برای وجوب قصاص، وجوب همسانی جانی و مجنی علیه تشریح شده تا غرض از قصاص که بازداشتن از تکرار اموری این چنین و جلوگیری از ایجاد دشمنی و کدورت است ادا شود. چون ازدواج برای ایجاد نفس و نسل تشریح شده است، کفایت بین زن و شوهر تشریح شده تا بیشتر منجر به حسن معاشرت در بین زوجین و دوام الفت در میان آنان شود، همان‌طور که جواز نگاه کردن به زنی که خواستگار می‌شود تشریح شده است. از آنجا که به‌خاطر حفظ نسل زنا تحریم شده است، امور منجر به زنا چون خلوت با زن نامحرم و نگاه شهوانی به وی و سفر انفرادی زن بدون همراهی محرم نیز تحریم شده است. چون برای حفظ عقل تحریم خمر و مجازات شراب‌خوار تشریح شده است، خوردن مقدار اندک از آن هم گرچه مسکر نیز نباشد حرام شده است تا راه بر مفسده مست شدن با خوردن مقداری زیاد از آن بسته شود. از آنجا که برای ایجاد مال انواع معاملات تشریح شده است، امور مکمل آن جهت محافظت بر مقصود از معاملات نیز تشریح شده و از این‌رو، از ربا، بیع غرر، فریب و بیع معدوم و جهالت در مبیع و چیزهایی از این قبیل هم نهی شده است.

در حاجیات، دفع امور مخطوری (ممنوع) را که منجر به ایجاد نزاع در بین مردم می‌شوند شرع منع نموده است و از آنجا که جهت تخفیف به قاتل در قتل خطا دیه بر عهده عاقله گذاشته شده است، شارع دیه را به‌صورت قسطی و بر آن دسته از عاقله تشریح کرده که قادر به ادای آن هستند و برای هر یک مقادیر اندکی را تعیین نموده تا ادای آن آسان باشد. در تحسینیات، چون پرداخت تطوعی صدقات را مستحب دانسته است، این حکم را تشریح کرده که مردم را از اموال متوسط (نه‌چندان عالی و نه‌چندان بد) خود صدقه بدهند و انجام عبادات مستحبی را موجب تکمیل عبادات واجبی قرار داده است.

## مراتب مصالح از حیث اهمیت

این مصالح سه‌گانه، از حیث اهمیت در یک سطح نیستند و در این بین بیشترین اهمیت را ضروریات دارند و شارع بیشترین توجه را به آن‌ها دارد، بعد از آن، حاجیات و سپس، تحسینیات قرار دارند. به همین خاطر، احکامی که برای مورد اول تشریح شده‌اند، مهم‌تر از احکام تشریح شده برای مورد دوم هستند و احکامی که برای مورد دوم تشریح شده‌اند اهمیت



بیشتری از احکام تشریح شده برای مورد سوم دارند. موضوعی که گفته شد واجب می‌دارد که این مصالح بر اساس همین ترتیب رعایت شوند، به این معنی که توجه به حاجیات جایز نیست اگر مراعات آن مخل به ضروریات باشد و مراعات سبب اخلال در ضروریات و حاجیات شود و مراعات مکملات نیز جایز نیست اگر چنانچه مراعات آن‌ها سبب اخلال در اصول خود (ضروریات و حاجیات و تحسینیات) گردند بنابراین، گرچه ستر عورت مطلوب است، اما در صورتی که معاینه پزشکی یا درمان، مستلزم کشف عورت باشد کشف عورت آن مباح است، زیرا ستر عورت از امر تحسینی است و درمان برای حفظ جان فرد از امور ضروری است. همچنین دفع حرج و مشقت از انسان حائز نیست اگر این دفع سبب فوت شدن یک امر ضروری گردد، مثلاً عبادات واجب هستند گرچه در آن‌ها نوعی مشقت وجود دارد، زیرا انجام آن‌ها برای حفظ دین ضروری است و حفظ دین هم از مصالح ضروری است. نیز هم چنان که اگر مراعات حاجیات و تحسینیات سبب اخلال در ضروریات شوند مراعات نمی‌شوند، در حالتی هم که مراعات یکی از ضروریاتی که اهمیت کمتری دارد سبب تقویت یکی از ضروریاتی شود که از اهمیت بیشتری از خودش برخوردار است، آن مورد ضروری دارای اهمیت کم رعایت نمی‌شود و بنابراین (مثلاً) دست کشیدن از جهاد از ترس جان و دریغ آمدن آن جایز نیست، زیرا دست کشیدن از جهاد سبب فوت شدن مصلحت حفظ دین و عدم دفع تجاوز به سرزمین اسلام می‌شود و این‌ها اموری ضروری هستند که اهمیت بیشتری از حفظ جان دارند، گرچه هر دو از جمله ضروریات هستند. همچنین، اگر شرب خمر تنها راه حفظ نفس از هلاک باشد مباح می‌شود و بلکه امتناع از خوردن آن جایز نیست، زیرا حفظ جان مهم‌تر از حفظ عقل است.

### مبادی و قواعد مترتب بر این مقاصد

بر اساس اصل مراعات مصالح ضروری و حاجیات و تحسینیات، قواعد و اصولی عام به‌دست آمده‌اند که آن‌ها را فقها بر اساس آن مصالح استنباط کرده‌اند و فروع زیادی را از آن‌ها جدا کرده‌اند. از جمله این قواعد و مبادی عمومی موارد زیر است:

#### ۱. «الضَّرَرُ يُزَالُ» (ضرر دفع می‌شود)

از جمله فروع مبتنی بر این اصل و جدا شده از آن موارد زیر است: ثبوت حق شفعه برای کسی که دارای این حق است، وجوب ضمانت چیزهای تلف شده، خیار ردّ با عیب به کارگیری روش‌های پیشگیری در زمان شیوع بیماری‌ها و...

#### ۲. «يُدْفَعُ الضَّرَرُ الْعَامُّ بِتَحْمَلِ الضَّرَرِ الْخَاصِّ» (ضرر عام با تحمل ضرر خاص دفع می‌شود)



از فروع این قاعده است: قصاص گرفتن از قاتل، قطع دست سارق، خراب کردن دیواری که به سمت راه رفت و آمد مردم خم شده است، منع پزشک جاهل و مفتی فاسد از طبابت و افتاء، نرخ‌گذاری کالاها در هنگام ضرورت و...

۳. «يُدْفَعُ اَشَدُّ الضَّرَرَيْنِ بِتَحْمَلِ اَخْفِيهِمَا» (اگر دو ضرر وجود داشت و یکی بیشتر و شدیدتر از دیگری بود و چاره‌ای جز انجام یکی از آنها نبود، ضرر بیشتر با تحمل ضرر کمتر دفع می‌شود)

از فروع این قاعده می‌توان به این موارد اشاره کرد: طلاق دادن زن به‌خاطر خوف از رسیدن ضرر به وی یا به‌خاطر ناتوانی در پرداخت نفقه وی و یا به‌خاطر غیبت مرد، جواز خواندن نماز بدون طهارت در هنگام عجز کامل از طهارت یا جواز خواندن نماز بدون ستر عورت در هنگام متعذر شدن پوشاندن عورت و...

۴. «دَرءُ الْمَفَاسِدِ اَوْلَى مِنْ جَلْبِ الْمَنَافِعِ» (دفع مفاسد بهتر از به‌دست آوردن منافع است) از فروع این قاعده این موارد است: منع مالک از این که در ملک خود تصرفی انجام دهد که برای دیگران ضرری به همراه داشته باشد، منع صادرات برخی از کالاها در صورت نیاز مردم به آنها گرچه این امر عده‌ای را از به‌دست آوردن برخی سودها هم باز دارد.

۵. «الضَّرُورَاتُ تَبِيحُ الْمَحْظُورَاتِ» (ضرورت‌ها امور ممنوع را مباح می‌سازند) از فروع این قاعده مباح بودن خوردن حرام‌ها در هنگام ضرورت و مقید شدن برخی از امور مباح است.

۶. «الضَّرُورَاتُ تَقْدِرُ بِقَدْرِهَا» (ضرورت‌ها به اندازه خودشان ضرورت به حساب می‌آیند)

از جمله فروع این قاعده این است که: اگر مضطر به خوردن چیزهای حرام شد، باید به قدر دفع آن ضرورت از آن چیز حرام بخورد و آنچه که به‌خاطر عذری انجام آن جایز است جوازش با زوال آن عذر باطل می‌شود.

۷. «الْمَشَقَّةُ تَجْلِبُ التَّيْسِيرَ» (مشقت سبب در پیش گرفتن آسان‌گیری می‌شود) از جمله فروع این قاعده است: تشریح رخصت‌ها، فسخ نکاح در صورتی که زوجه در شوهر خود عیبی یافت که هنگام عقد از آن عیب اطلاع نداشته باشد، جواز قرض و حواله و حجر.

۸. «الْحَرَجُ مَرْفُوعٌ» (در دین حرج برداشته شده است) از فروع این قاعده می‌توان به این موارد اشاره کرد: جواز شهادت زنان در اموری که مردان بر آن اطلاع نمی‌یابند و اکتفا به ظن راجح و نه قطعیت در قبول شهادت.

۹. «لَا يَجُوزُ ارْتِكَابُ مَا يَشِقُّ عَلَى النَّفْسِ» (انجام آنچه که برای انسان سخت باشد مشقت غیر عادی جایز نیست)



از فروع این قاعده است: منع قیام (زنده‌داری) در طول شب، روزه وصال، رهبانیت مانند امتناع از ازدواج.

## لزوم وجود رهبری الهی

استاد فاضل دکتر محمدجواد سعدی در مورد لزوم وجود رهبری الهی برای هدایت انسان‌ها در حیات باطنی و معنوی خود می‌فرماید که چنان‌که در قرآن کریم و بیانات پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است، بخشی از دین شامل حقایق و معارفی است که بالاتر از فهم عادی ما است و خداوند آن‌ها را در قالب بیاناتی در سطح فکر ما و با زبانی قابل فهم برای ما نازل نموده است. از آن جمله، میان اعمال ما و آنچه در جهان ابدیت از زندگی و خصوصیات آن است، رابطه واقعی برقرار است که سعادت و شقاوت زندگی آینده به خواست خدا، مولود آن است.

هر یک از اعمال نیک و بد ما در درون ما واقعیتی به وجود می‌آورد که سرنوشت ما مرهون آن است و این واقعیت، نشان دهنده آن است که انسان در باطن این حیات ظاهری، حیات باطنی و معنوی دارد که از اعمال وی سرچشمه می‌گیرد و رشد می‌کند و آینده او را ترسیم می‌نماید. حیاتی که قرآن برای انبیا و صدیقین و شهدا و مؤمنان صابر بالاتر از این حیات ظاهری اثبات کرده و نتایج باطنی اعمال را پیوسته ملازم با انسان شمرده به این حقیقت اشاره دارد:

«مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)

حیات خاص معنوی در سوره انفال آیه ۳۴ و سوره آل عمران آیه ۳۰ و سوره یس آیه ۱۲ مطرح شده است.

در این حیات معنوی و باطنی انسان، شیوه و راه و رسم، بسی باریک و پیچیده است که جز با راهنمایی و رهبری انسانی که خود عامل و رهرو راستین این راه بوده و دارای همان حیات معنوی باشد میسر نیست زیرا تا خدا کسی را هدایت نکند هدایت دیگران را به او نمی‌سپارد. (انعام: ۹۰)

## مقاصد الشریعه در فتاوی معاصر آیت‌الله ابراهیم جنّاتی

- خوردن گوشت ذبایح حلال گوشت اهل کتاب جایز است، ولی پیش از خوردن، بسم‌الله را بگویید. فتوا بر حلیت اهل کتاب اگرچه خلاف مشهور است، ولی ادله ما بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) و امامان (ع) می‌باشد و این مسئله به گونه مفصل در کتاب «فقه و زمان» و کتاب «همبستگی ادیان و مذاهب» مورد بررسی

- قرار گرفته است.
- اگر دست دادن مرد مسلمان با زن غیر مسلمان امری ضروری باشد و ترک آن موجب هتک و توهین مسلمان یا سبب بدبینی به اسلام شود، اشکال ندارد.
  - ازدواج مرد مسلمان با دختر یا زن اهل کتاب مانند زرتشتی، یهودی و مسیحی جایز است.
  - روابط دختران و پسران و زنان و مردان نامحرم در اجتماع، اگر سبب فساد نشود و با حفظ موازین اسلامی و در حدی که ضرورت دارد، مانعی ندارد.
  - باید اذعان کرد با توجه به شرایطی که اسلام در ارتباط با تعدد زن مقرر داشته، این کار از کارهای مشکل و دارای پیامد بسیار است. بعضی آیات و احادیث گویای این می‌باشند که اگر کسی نمی‌تواند آن شرایط را با آن‌ها در زندگی رعایت کند، باید از این کار خودداری کند، مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند.
  - چادر برای زنان حجاب خوبی است، ولی الزامی نیست، آن چیزی که برای زنان الزامی است، پوشاندن خودشان به استثنای چهره و دو دست از نامحرم می‌باشد و نوع رنگ خاصی از پوشش برای آن مطرح نیست و با هر وسیله‌ای که حاصل شود کفایت می‌کند.
  - غیرمسلمانان از هر نوع و قسمی که باشند (اهل کتاب، مشرکین و ملحدین) ذاتاً و از نظر جسمی و بدنی پاک هستند و اگر چیزهایی که در نظر مسلمانان نجس می‌باشند، اجتناب کنند، نجاست عرضی هم ندارند.
  - مرد بودن در مجتهدی که مورد تقلید قرار می‌گیرد، شرط نیست.
  - تصدی مقام قضاوت توسط زن در صورتی که شرایط آن را دارا باشد، مانعی ندارد.
  - اذن پدر در ازدواج دختری که به گونه کامل مصلحت و مفسده را درک می‌کند و تحت تأثیر احساسات قرار نمی‌گیرد، شرط نیست و اختیار با خود اوست.
  - پیدایش بلوغ دختر به عادت ماهیانه است و اگر بر اثر عوارض مزاجی، عادت ماهانه ندارد، باید به عادت دختران بستگان و فامیل خود، مراجعه کند و عادت آن‌ها را زمان بلوغ خود قرار دهد.
  - بیرون رفتن زن از منزل در صورتی که با حق شوهر منافات داشته باشد، باید از او اذن بگیرد، وگرنه اذن او معتبر نیست. پس در این صورت می‌تواند بدون اذن او از منزل برای تعلیم و تعلم و کارهای اجتماعی و وظایف سیاسی با حفظ حدود اسلامی و نیز برای دیدار پدر و مادر و فامیل بیرون رود و نیازی به این نیست که در ضمن عقد، آن را شرط کند.



- رقصیدن زنان برای زنان و مردان برای مردان در مجالس عروسی و مناسبات فرح و شادی اشکال ندارد.

## نتیجه‌گیری

فرامین الهی بی‌حکمت و دلیل نیست، به همین خاطر تمام مذاهب اسلامی بر این باورند که احکام شریعت مبتنی بر مصالح و مفاسدند و دین در واقع برای جلب مصلحت بندگان و دفع مفسده از آنان (در دنیا و آخرت) آمده است؛ و این امر با تأمل در کتاب و سنت و نیز با در نظر گرفتن عمل فقها، از عصر صحابه و امامان تاکنون، به روشنی به چشم می‌خورد و به این نتیجه می‌رسیم که مقاصد شریعت یا اهداف دین، امری اصیل و ریشه‌دار است و تا زمانی که قرار است درباره جلب مصلحت و دفع مفسده در احکام و مبانی دینی تأمل و جوانب مختلف آن کاویده شود، موضوع اهداف دین به قوت خود باقی است و همچنان به‌مثابه یکی از محورهای اساس اجتهاد اسلامی مطرح خواهد بود و این مقاصدالشریعه اصلی انکارناپذیر و همیشگی است.

شیخ ابن عاشورا آیه شریفه: خداوند به دادگری، نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ (چون شرک و زنا) و انجام کارهای ناشایست (ناسازگار با فطرت و عقل سلیم) و دست‌درازی و ستمگری نهی می‌کند خداوند شما را اندرز می‌دهد تا این که پند گیرید. (نحل: ۹۰) را مبین فلسفه قانون‌گذاری و زیربنای تمام احکام دانسته و آن را جامع همه مقاصد شریعت اسلامی می‌داند، زیرا به همه مصلحت‌ها فرمان می‌دهد و از همه مفسده‌ها بازمی‌دارد. (ابن عاشورا، ج ۱۴، ص ۲۶۰-۲۵۹)

استاد مطهری هم گفته است: قوانین اسلام در عین این که آسمانی است زمینی هم هست، یعنی بر اساس مصالح و مفاسد بشر است. (مطهری، ج ۲، ص ۲۷)

عزالدین بن عبدالسلام نیز وضع همه احکام شرعی را برای جلب مصلحت و دفع مفسده دانسته است و می‌گوید: شریعت یکسره مصلحت است یا مصالحی را جلب می‌کند و یا برای هر دو است. (ابن السلام، ج ۱، ص ۱۲-۱۱)

با تأمل در آیات شریفه قرآن و سنت و عمل فقها از عصر اصحاب و امامان تاکنون به این نتیجه می‌رسیم که میان اهداف این دو واژه (مصلحت و مفسده) رابطه ناگسستنی وجود دارد و در واقع مقاصد شریعت همان جلب مصلحت و دفع مفسده است، یعنی دین برای جلب مصلحت بندگان و دور کردن مفسده از ایشان در دنیا و آخرت آمده است؛ و در نظام اسلامی ایران هم نماد مجمع تشخیص مصلحت نظام که در قانون اساسی بدان اشاره شده است برای جلب مصالح نظام و دفع مفاسد احتمالی ایجاد شده است که به‌نوعی احکام ثانویه را تقنین می‌نماید.

## منابع:

- قرآن کریم
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ هـ
- ابن عاشورا، التحریر و التنویر، الدار التونسیه، ۱۹۹۷ م
- ابن کثیر، البدایه و النهایه، دار ابن کثیر، ۱۴۳۱ هـ
- ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵ ق
- ابو الاعلی المودودی، المصطلحات الاربعه فی القرآن، الطبعة الثانیه، ۱۳۷۲ ش
- احمد الریسونی، نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۶ هـ
- الامام فخرالدین الرازی، المحصول فی علم الاصول، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۸ هـ
- الامام محمد غزالی، المستصفی فی علم الاصول، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش
- آیت الله محمد ابراهیم جناتی، در پاسخ استفتائی جدید به تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۹۰ مصادف با ۲۹ رجب ۱۴۳۲، مجله فقه، سال هفدهم، شماره ۶۵
- تبیین نظری ملاک احکام در کتاب مقاصد الشریعه، مجله دین پژوهان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱
- دکتر محمد جواد سعدی، اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث، انتشارات دانشگاه پیام نور، سال ۱۳۹۳
- زاهد ویسی، نظریه مقاصد الشریعه یا اهداف دین، راهی برای گذار از آفات و آسیب های دین ورزی و دین پژوهشی، مجله کتاب نقد، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۴۴
- سید رشید رضا، وحی المحمدی، المکتب الاسلامی، ۱۹۸۵ م
- عبدالکریم زیدان، الوجیز در اصول فقه مؤلف، مترجم فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، سال ۱۳۸۹
- عزالدین ابن السلام، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، دار القلم، دمشق، ۱۴۲۱ هـ
- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، سال ۱۳۷۰
- مهدی گرامی پور، جایگاه سندی مقاصد الشریعه در فقه مذاهب، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، دوره اول پیش شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱
- وهبه الزحیلی، الوجیز فی اصول الفقه، نشر احسان، ۱۳۸۶
- یوسف قرضاوی، پژوهشی در باب مقاصد شریعت، آزاد شافعیان و سیدرضا اسعدی، نشر احسان، ۱۳۹۲
- یوسف قرضاوی، کیف تتعامل مع القرآن الکریم، دار الشرق، ۱۹۹۹ م
- یوسف قرضاوی، مدخل لمعرفة الاسلام، مؤسسه الرساله، ۲۰۰۱ م

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی